

❖ خوانش امام خمینی(ره) از تربیت هنری

مرضیه محمص^۱

چکیده

هدف: پرورش خلاقیت هنری، زمینه‌سازی برای تولید محتوای هنری همخوان با ارزشهای اسلامی- ایرانی و وسعت بخشی به ذائقه هنری، از اهداف تعلیم و تربیت به شمار می‌آید. با توجه به آنکه یکی از اهداف بنیادین انقلاب اسلامی، اشاعه همه‌جانبه تربیت اسلامی در جامعه است، عنایت به تمامی ابعاد تربیت و از آن جمله تربیت هنری، امری بایسته‌ا‌هت‌مام می‌باشد. نظر به تأثیرگذاری وافر تربیت هنری بر ارتقای فرهنگی کشور، تبیین خط مشی‌های ترسیم شده توسط بنیانگذار انقلاب اسلامی(ره)، ضرورت دارد. **روش:** این نوشتار با روش تحلیلی- استنباطی، پس از تبیین موضوع «تربیت هنری» به عنوان یکی از موضوعات نوین در آثار فلاسفه تعلیم و تربیت، اهداف، اصول و مبانی تربیت هنری را در پرتوی آرا و نظریات امام خمینی(ره) بررسی می‌کند. **یافته‌ها:** هنر به عنوان یک محتوای فرهنگی و یک ضرورت در روند تکامل اجتماعی، به برقراری رابطه معنادار میان مفاهیم، تحول در ساختارهای شناختی قبلی و انتقال یادگیری در بسترها و بافتهای جدید می‌پردازد. تربیت هنری به فرایند افزایش رشد مهارتهای فکری و شناختی و تولید ایده‌های نوین گفته می‌شود و یکی از مهم‌ترین کارکردهای نظام آموزشی پیشرو به شمار می‌آید و به شکل‌گیری هویت فرهنگی، رفتارسازی در جامعه، هدایت افراد به سوی هنجارها و تکوین معرفتی منتقد می‌انجامد. **نتیجه‌گیری:** اخلاق‌محوری، دین‌مداری، استقلال فکری و توجه به مصالح ملی، از جایگاهی بنیادین در خوانش امام خمینی(ره) از تربیت هنری برخوردارند.

واژگان کلیدی: هنر، تربیت هنری، امام خمینی(ره)، فرم، محتوا.

❖ دریافت مقاله: ۹۴/۰۳/۱۹؛ تصویب نهایی: ۹۴/۱۰/۱۰.

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث، استادیار و عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی/نشانی: تهران، بزرگراه شهید چمران، خ یمن، بلوار رشیدالدین فضل الله، میدان شهید شهریار، دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده الهیات و ادیان/نمبر: ۲۲۲۳۱۷۸۵ /

Email: M_Mohases@sbu.ac.ir

الف) مقدمه

خداوند متعال در تمامی افراد بشری، استعداد و قریحه هنر را به ودیعت نهاده است. هنر به عنوان یک واسطه و زبان مفاهمه در میان انسانها، دارای کارکردهای اجتماعی، سیاسی، فلسفی، علمی، دینی و ... می‌باشد، اما منشاء صدور آن باید ناشی از یک فرایند حسی درونی و واجد دو بعد همزمان مادی و معنوی است، که البته بینش و جهان‌بینی در شکل‌گیری و جهت‌گیری آن تأثیر دارد. امروزه جهانی‌سازی طیف متنوعی از جاذبه‌های بیرونی را با نام «هنر»، برای ترغیب و جذب افراد فراهم ساخته و بدین‌سان زمینه مناسبی برای تمایل به سوی جاذبه‌های فرهنگی غرب‌گرایانه مهیا کرده است. این جاذبه‌ها در اصل دامهایی به ظاهر هنرمندانه و زیبایی‌مند که توسط مدیران پروژه جهانی‌سازی گسترده شده‌اند. این هجمه در کنار خلأهای تربیتی خانواده‌ها و نظام آموزشی، به شکل‌گیری انسانهایی عاری از غنای اخلاقی می‌انجامد. باید اذعان داشت «هر دانشی ممکن است در طریق مثبت تعالی انسان یا در راه منفی انحطاط او مورد استفاده قرار گیرد، اما این موضوع در هنر به گونه‌ای قوی‌تر، واضح‌تر و خطرناک‌تر مصداق دارد. هنر، مصداق بارز تیغ دو لبه است. هنر ممکن است عامل عروج، هدایت و تعالی انسان، اعم از هنرمند یا جامعه شود و ممکن است عامل اضمحلال، گمراهی و سقوط انسان شود» (نقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۷۰). هر چند در اولویت‌بندی‌های معاصر، تربیت هنری همچون امری تکمیلی و غیر ضروری قلمداد شده است، اما از آنجا که از همگان انتظار می‌رود از درک زیبایی‌شناختی شایسته‌ای برخوردار باشند، اخیراً فلاسفه تعلیم و تربیت توجه خاصی به تربیت هنری مبذول داشته‌اند (رک: الیاس، ۱۳۸۵: ۱۰۴). پژوهش حاضر در صدد تحلیل این مسئله برآمده است که جایگاه بحث تربیت هنری در آثار اندیشمندان چیست؟ مسئله دوم ناظر به این امر است که اهداف، اصول و مبانی تربیت هنری در پرتو آرا و نظریات امام خمینی (ره) چگونه بیان شده است؟ در این پژوهش از روش تحلیلی-استنباطی استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و با بهره‌گیری از آثار و تألیفات حضرت امام (ره) جمع‌آوری شد. ابتدا دیدگاه‌های موجود پیرامون تربیت هنری، بررسی و سپس اهداف، مبانی و اصول تربیت هنری با استنباط از بیانات حضرت امام (ره) تبیین می‌شود.

ب) ضرورت بحث

با وجود تأکید فراوان اندیشمندان نسبت به لزوم تربیت هنری، این حوزه از نظام آموزشی با چالشهای فراوانی روبه‌روست. به عقیده یکی از معاصران، مغفول ماندن تربیت هنری در نظام آموزشی کشور، موجب رشد نکردن بسیاری از قابلیت‌های دانش‌آموزان و در نتیجه، ناکارآمدی نظام آموزشی در تحقق بسیاری از اهداف خود می‌شود (امینی، ۱۳۸۳: ۴-۶). برخی نیز تلویحاً به ضرورت تربیت هنری اذعان داشته و معتقدند از آنجا که هنر، نغزترین و پیراسته‌ترین آفرینش آدمی است، می‌بایست سودمند و در بر دارنده پیامهای والای

❖ ۹۱ خوانش امام خمینی(ره) از تربیت هنری

اخلاقی باشد. بدین منظور می‌بایست زمینه‌های روانی و فرهنگی آن از پیش آماده شده باشد. هرگز نمی‌توان هنر را با شیوه‌های برونی، دستوری و فرمانی نگه داشت. به تعبیر دیگر؛ آن کوره‌های گوناگون باید ناسرگی‌های مس را زدوده باشند تا بتوان در واپسین کوره به زر ناب هنر دست یافت. (کرازی، ۱۳۸۱: ۲۳۶)

با توجه به آنکه یکی از اهداف بنیادین انقلاب اسلامی، اشاعه همه‌جانبه تربیت اسلامی در جامعه است، عنایت به تمامی ابعاد تربیت و از جمله تربیت هنری، امری بایسته‌ا‌هت‌مام می‌باشد. در این راستا ایجاد و تقویت نوعی گفتمان هنری سازگار با ماهیت متعالی هنجارها، ارزشها و آرمانهای فرهنگی انقلاب، به تسریع انتقال و گسترش انقلاب اسلامی خواهد انجامید. همچنین نظر به تأثیرگذاری تربیت هنری بر عرصه‌های مختلف فردی، اجتماعی و فرهنگی، انتظار می‌رود، نگاهی نظام‌مند، کنترلی، حمایتی و تشویقی معطوف بدین امر شود و با توجه به ساختار فکری بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی(ره) جهت‌دهی شود.

ج) بررسی مفهومی

۱. چیستی تربیت

تربیت در زبان عربی از «رب» سرچشمه گرفته و معنای اصلی آن سوق دادن شیء به سوی کمال و برطرف کردن کمبودها به واسطه جایگزینی است. این فرایند می‌تواند در جهت ذاتیات شیء و عوارضش یا در اعتقادات، اخلاق، صفات، اعمال و رفتارها، همچنین در دانشهای رایج باشد(مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴: ۱۹). این واژه در زبان فارسی به معنای پروردن و اخلاق را به کسی یاد دادن به کار رفته است(دمخدا، ۱۳۷۲، ج ۴: ۵۷۷۶). تربیت در اصطلاح، فرایند یاری‌رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفا کردن استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد»(اعرافی، ۱۳۹۱: ج ۱: ۱۴۱)

موضوع تربیت یکی از موضوعات بسیار مهم در نگرش امام خمینی(ره) به شمار می‌آید. در فحوای کلام امام(ره) عموماً تربیت به معنای جریان یا فرایندی منظم و مستمر است که به شکوفایی استعدادهای درونی منجر می‌شود. ایشان پیرامون نقش‌آفرینی نحوه تربیت کودکان و جوانان در صیانت از آتیه کشور می‌فرمایند: «جوانهای ما، آنهایی که مقدرات مملکت به دست آنها خواهد بود، زیر دست معلمین باید تربیت بشوند؛ اگر تربیت صالح شدند، مملکت صالح به دست ما می‌افتد و اگر خدای نخواست تربیت‌های غیر الهی شد، مملکت از دست می‌رود»(امام خمینی، بی‌تا، ج ۷: ۱۶۳). اساساً برنامه طولانی‌مدتی که امام(ره) همگان را بدان رهنمون داشته‌اند، تربیت کودکانی مهذب و مؤدب به آداب اسلامی بوده است.(همان، ج ۷: ۴۶۳؛ ج ۹: ۲۰۶؛ ج ۹: ۱۵۷-۱۵۶؛ ج ۱۱: ۱۹۶)

۲. چیستی زیبایی و هنر

گرایش به زیبایی، یکی از پایدارترین و اصیل‌ترین ابعاد فطرت انسان است. ابداعات هنری و خلاقیت‌هایی که در انواع هنر بروز و ظهور پیدا می‌کند، همه در اثر این گرایش در وجود انسان است. شهید مطهری در تبیین نیازهای زیبایی‌شناختی انسان می‌گوید: انسان، زیبایی را در همه شئون زندگی خود دخالت می‌دهد. جامه می‌پوشد برای سرما و گرما، به همان اندازه هم به زیبایی رنگ و دوخت آن اهمیت می‌دهد. خانه می‌سازد برای سکونت و بیش از هر چیز به زیبایی خانه توجه دارد (مطهری، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۷۷). بخش عمده‌ای از فرهنگ و تمدن بشر را می‌توان به نیازهای زیبایی‌شناختی تأویل کرد. نیاز زیبایی‌شناختی در متون دینی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ قرآن کریم با برخورداری از زیبایی اعجاز‌آمیز بیانی، به مثابه معجزه خاتم قرار داده شد و در روایات نیز بسیار به رعایت این مهم توصیه شده است (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۱: ۱۰۸). این بُعد از وجود انسان اگر به طور هماهنگ با ابعاد دیگر رشد کند، در مسیر اصلی خود کمال می‌یابد؛ یعنی او جز جلوه‌های خلقت خداوند چیزی را زیبا محسوب نمی‌کند و زیبایی‌های ظاهری او را از زیبایی اصیل و مطلق غافل نمی‌سازد (ملکی، ۱۳۸۹: ۶۴). مرتبه متعالی‌تر زیبایی‌گرایی، احساس لذت از ارزشهای انسانی و سجایای اخلاقی است. طرز تلقی انسانها نسبت به زیبایی‌ها و داوری در برابر آنها با مرتبه کمالات روحی و اخلاقی آنان رابطه مستقیم دارد. هر قدر روح متعالی‌تر باشد، به زیبایی‌های متعالی‌تر نیاز دارد و به ابعاد معنوی و باطنی بیشتر جذب می‌شود. اندیشه‌ورزی در پدیده‌های زیبای هستی می‌تواند مراتبی از رشد فطری را رقم بزند. این بعد از ویژگی‌های انسان مطلوب مستلزم نظام آموزشی معطوف به هنر و زیبایی است. همان‌طور که نیروی فکر و اندیشه در فراگیرنده باید تقویت شود، لازم است به پرورش ذائقه هنری نیز توجه کرد؛ زیرا رشد و ترکیب متوازن استعدادهای گوناگون بشری باعث کمال می‌شود. استعداد هنری هم موضوعیت دارد و هم طریقت و با استفاده از هنر و گرایش به زیبایی‌ها می‌توان موضوعات مختلف را نافذتر و لطیف‌تر آموزش داد. (همان: ۳۲۸-۳۲۷)

در این راستا، هنر به معنای «معرفت امری توأم با ظرافت و ریزه‌کاری» (معین، ۱۳۷۵، ج ۴)، ژرف‌ترین و پیچیده‌ترین شکل بیان مشترکات انسانی است و هنرمند، پدیدآورنده نوعی کمال‌یافتگی و شبکه ارتباطی میان انسانهاست. این مفهوم، پیشینه‌ای به قدمت تمدن و فرهنگ انسانی دارد و انسان از سحرگاه تاریخ با آفرینشهای هنری سروکار داشته است (قره‌باغی، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۱). /رسطو، زیبایی هنر را در تناسب و اتحاد اجزا و نظم و هماهنگی میان جزء و کل و تقلید از نمونه‌ای الهی می‌داند (نقل از: دانشور، ۱۳۷۵: ۱۸۴). هر چند بر اساس دیدگاههای مختلف، تعاریف متفاوتی از هنر ارائه شده، اما تلقی از هنر به عنوان یک بستر پیام‌رسان اجتماعی که به تبیین رفتارهای اجتماعی می‌پردازد و در اثبات یا نفی آن می‌کوشد، موضوعی پذیرفته شده است. در میان فلاسفه متأخر، کانت، مفهوم هنر را ملازم آزادی می‌داند و معتقد است عنوان هنر را باید به اموری عطا کرد که آزادانه به وجود آمده‌اند و مخلوق اراده‌ای‌اند که برهان و منطق هدایتگر آن است. از

۹۳ ❖ خوانش امام خمینی(ره) از تربیت هنری

نظر شیلر، مقصد هنر، زیبایی است، بدون آنکه هیچ سود و پیشرفت علمی از آن حاصل شود(فطی، ۱۳۵۲: ۱۱). تولستوی نویسنده روس، ویژگی ذاتی هنر را بیان و انتقال احساسات درونی هنرمند به مخاطب می‌داند. به عبارت دیگر؛ یک اثر هنگامی هنری محسوب می‌شود که احساسات هنرمند را به مخاطبان انتقال دهد. بنابر این، بنیاد هنر بر سرایت عواطف از هنرمند به مخاطب بنا نهاده شده است(تولستوی، ۱۳۶۴: ۵۵). پیدایش مکتب فرمالیسم یا صورت‌گرایی موجب شد ویژگی ذاتی هنر در بازنمایی صورتها یا نمودها در جهت جلب توجه انسانها منحصر شود(هاشم‌نژاد، ۱۳۷۹: ۶۰-۵۷). در این سیر تطور، اندک اندک هنر به عنوان یک محتوای فرهنگی و نیز یک شکل و زبان در خدمت انسان و یک ضرورت در روند تکامل اجتماعی، برای بیان احساسات و افکار فردی و اجتماعی مد نظر قرار گرفت(فیشر، ۱۳۵۴: ۸). هنر و زیبایی به سبب رابطه تنگاتنگی که با احساس آدمی دارند، تکامل‌پذیرند؛ به طوری که اگر این رابطه تنگاتنگ در وجود انسان مستقر شود، با احساسی پویا و جاودانه به کانون هستی‌بخش عالم تعلق پیدا کرده، کرانه آن از ازل تا ابد گسترده می‌شود. بنابر این، هنر جاودانه و پویا، هنری است که در اختیار جاودانگی و کمال‌خواهی قرار گیرد. لذا یک اثر هنری، وسیله‌ای برای ابلاغ یا ایضاح معرفت است(اسفندیاری، ۱۳۷۸: ۵۴-۵۳). از نظر برخی نیز هنر پدیده‌ای انسانی است که با نوعی خلاقیت، آفرینشگری، تحیل و زیبایی توأم است(ایزدینا، ۱۳۷۸: ۷۰). این خلاقیت و آفرینشگری در چارچوب اسلامی، به غایاتی کاملاً مشخص پاسخ می‌دهد و در حقیقت، دارای خصوصیت کارکردی است(میکون، ۱۳۸۳: ۲۰۵). نکته مورد اهمیت آنکه، یکی از مشخصه‌های انسان مطلوب از منظر نظام آموزش رسمی و فرایند تعلیم و تربیت، زیبایی‌گرایی و برخورداری از لطافت هنری است.(ملکی، ۱۳۸۹: ۳۲۷)

برقراری رابطه معنادار میان مفاهیم، تحول در ساختارهای شناختی قبلی و انتقال یادگیری در بسترها و بافتهای جدید، در زمره مواردی است که گویای اهمیت هنر است(کاردان، ۱۳۷۹: ۴۷-۴۳). در فلسفه جدید آموزش هنر، شکوفایی استعدادها به عنوان علت وجودی هنر برشمرده شده است(شکوهی، ۱۳۶۴: ۳۲). به عبارت دیگر؛ از آنجا که آموزش از راه هنر موجب تفهیم سریع‌تر و سهل‌تر مسائل به گروههای سنی مختلف می‌شود، این موضوع اهمیتی مضاعف می‌یابد(هزاوه‌ای، ۱۳۶۲: ۱۲). از منظری دیگر، هنر به امری مقدس، متعالی و رهایی‌بخش توصیف شده(شریعتی، ۱۳۶۶: ۸) و دارای نوعی ارزش اخلاقی برشمرده شده؛ به نحوی که از رهگذر القای غیر مستقیم ارزشها و نگرشها، تأثیرات اخلاقی بر جای می‌نهد(ر.ک: شیرد، ۱۳۷۷: ۲۳).

پر بسامدترین عرصه‌های فعالیتهای هنری با توجه به اقتضائات دوران حیات امام خمینی(ره)، سینما، تئاتر، تلویزیون، رادیو، عکس، فیلم و مجلات بوده است. حضرت امام(ره) هنرهای همچون: کاشی‌کاری، منبت‌کاری، قالبیابی، زری‌بافی و مخمل‌بافی را در زمره هنرهای برمی‌شمرند که به سبب تبلیغات منفی دولتهای فاسد پیشین، به فراموشی سپرده شده است.(امام خمینی، بی‌تا، ج ۱۱: ۲۲۱)

۳. چیستی «تربیت هنری»^۱

تربیت تقسیم‌های گوناگونی دارد و تربیت هنری یکی از انواع تربیت بر اساس ابعاد وجودی شخصیت متربی است. «تربیت هنری» به کارگیری انواع هنرهای مختلف و جنبه‌های زیباشناسانه از پدیده‌های پیرامونی است. تربیت هنری به فرایند افزایش و رشد تیزبینی و حساسیت فرد نسبت به زیبایی‌شناسی اشیا و پدیده‌ها و شکوفایی قابلیت‌های هنری گفته می‌شود. تربیت هنری از مهم‌ترین کارکردهای نظام آموزشی پیشرو است. اهمیت این کارکرد از آنجا ناشی می‌شود که در ایجاد و بارورسازی زمینه‌های سازنده‌ای مانند بروز نوآوری، خلاقیت، رشد مهارت‌های فکری و شناختی، پرورش و تعدیل عواطف و ایجاد تغییرات عمیق در سلوک فردی تأثیری شگرف دارد (امینی، ۱۳۸۳: ۱۷-۱۵). صاحب‌نظران معتقدند بهبود مهارت‌های فکری و شناختی، پیوند اطلاعات از منابع متنوع و تولید ایده‌های نوین (آیزنر، ۱۳۸۵: ۵۶) و رشد قابلیت‌های وجودی (دبوتو، ۱۳۶۴: ۶۹) در فرایند تربیت هنری تجلی می‌یابد.

اهمیت تربیت هنری در این است که این مقوله در رشد و بروز استعداد‌های شناختی و عاطفی و مهارتی نقش اساسی دارد و در واقع؛ زمینه را برای درک ارزش‌های واقعی فراهم می‌کند. همچنین در کاهش اضطراب و تنش‌های روانی، تعدیل عواطف و کنترل احساسات، ایجاد حس خودارزشی، رشد خود راهبری، تسهیل یادگیری اجتماعی، کسب بینش و بصیرت بسیار موثر است (فرمینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۹۰-۸۹). رابرت فیشر درباره به کارگیری این نوع تربیت معتقد است این راهبرد یک فرایند بنیادی انسانی و وسیله‌ای برای پرورش تفکر دیداری است. (فیشر، ۲۰۰۱: ۳۸۸)

فلاسفه، تربیت هنری را به عنوان پایه‌های اولیه تربیت و ابزاری برای لذت‌مند کردن یادگیری مورد توجه قرار داده‌اند. به نظر افلاطون، تربیت هنری زمینه‌ساز پرورش عقلانی است و در سنین اولیه که شاگردان هنوز قادر به تفکر نیستند، لازم است روان آنان از طریق هنر، نظم و پالایش یابد تا در مراحل بعد تحت تربیت صحیح عقلانی قرار گیرند. فارابی نیز معتقد است برای ترویج ارزشها و فضایل اخلاقی و دینی در جامعه، باید از طریق هنر، قوه خیال توده مردم را پرورش داد؛ زیرا بیشتر آنها از طریق اقناع و تحیل، مطالب را می‌پذیرند نه بر اساس اندیشه. وی جهت‌دهی به تخیلات عمومی جامعه را که از طریق هنر انجام می‌پذیرد، در وهله اول وظیفه زمامداران آن جامعه می‌داند (میرزا محمدی، ۱۳۸۱: ۲۱۳، ۲۰۷). از منظر آیریس مرداک (۱۹۹۹-۱۹۱۹) نیز تربیت هنری موجب می‌شود ظرفیت روانی افراد افزایش یابد و به نقطه‌ای فراتر از پیش‌دآوری‌های شخصی نیل یابند و با واقعیات روبه‌رو شوند. (نواب، ۱۳۹۳: ۲۰)

۹۵ ❖ خوانش امام خمینی(ره) از تربیت هنری

صاحب‌نظران علوم تربیتی نیز بر لزوم ورود تربیت هنری به نظام آموزشی تأکید کرده‌اند. به عنوان مثال آیزنر(۱۳۸۵) معتقد است امروزه هنرها به جای اینکه صرفاً وسیله‌ای زینتی قلمداد شوند، باید بخشی ضروری از ساختار آموزش و پرورش به شمار آیند. پرکینز بر کارکرد ابزاری هنر اصرار ورزیده و با تأکید بر نقش تربیت هنری در تحقق اهداف شناختی و رشد مهارت‌های فکری پیشرفته در دانش‌آموزان، در مشروعیت بخشی تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش سعی داشته است(تمنایی‌فر و دیگران، ۱۳۸۸: ۶-۵). تربیت هنری، پاسخگوی سرشت زیبایی طلب انسانی و زمینه‌ساز توسعه نوآوری‌ها و خلاقیت‌های آتی جوامع است. پرورش روحیه خویشتن‌داری، تقویت اجتماع‌پذیری، انتقال غیر مستقیم یا ضمنی مفاهیم اخلاقی، پیشگیری از آسیب‌های روانی و اجتماعی، درمان اختلالات روحی و شناسایی ناهنجاری‌ها و حتی شکل‌دهی به افکار عمومی جامعه از ثمرات بهره‌گیری از ابزار تربیت هنری به شمار می‌آید. در جریان تربیت هنری، آشنایی با تاریخ هنر، الهام‌بخش اندیشه هنری است و در رسیدن به ایده‌ها و آثار جدید علمی و هنری کمک می‌کند(بولین و هاسکینگز، ۲۰۱۵: ۴۰). از آنجا که تربیت به معنای تشویق فرد به فکر کردن و اقدام متناسب با موقعیت فرد است و انسان تربیت‌شده، انسانی معتدل می‌باشد؛ میان اخلاق و هنر و نیز اخلاق و لذت تعارضی قائل نیست. بنابر این، با این تربیت صحیح می‌توان هنر را با اخلاق جمع کرد؛ چون هنرمندی که این سطوح را طی می‌کند، می‌تواند اخلاق‌مند هم باشد. اگر امروزه در هنر ضعف اخلاقی وجود دارد، اشکال از کار تربیتی است(شریعتمداری، ۱۳۷۸: ۱۳۶). لذا تقویت تفکر انتقادی یا مواجهه منطقی و منتقدانه با محصولات هنری، یکی از شیوه‌های مؤثر و تفهیم این نکته است که تولیدات هنری به نحو همزمان دارای جنبه‌های مثبت و ابعاد مخرب فراوان است. صاحب‌نظران عرصه تربیت هنری، اهداف و غایاتی را مد نظر قرار داده‌اند. بر این اساس، سه رویکرد ذیل در تربیت هنری قابل ملاحظه است:

یک) رویکرد تربیت هنری تولیدمحور

در این رویکرد، هنرسازی مفهوم محوری و اساسی محسوب می‌شود. از این منظر، برنامه‌های درسی هنر آنگاه دارای اثربخشی است که از مهارت‌ها و قابلیت‌های کارکردی زیبایی‌شناختی نیز برخوردار باشد(امینی، ۱۳۸۳: ۴۵). معروف‌ترین صاحب‌نظری که بر این رویکرد در قلمرو تربیت هنری تأکید دارد، گاردنر است. وی با ارائه هوش‌های چندگانه، دیدگاه جامعی نسبت به توانایی‌های هوشی انسان ارائه می‌دهد و تولید هنری را یکی از مهم‌ترین شیوه‌های دانستن می‌داند و تأکید می‌کند در قلمرو تعلیم و تربیت باید به تبیین دانش کلامی و مفهومی، همچنین پرورش مهارت‌های دستی اقدام کرد.(گاردنر، ۱۹۹۰: ۴۰)

دو) رویکرد مبتنی بر فهم عمیق معانی

این رویکرد به برقراری تعامل فعال با پدیده‌ها و آثار هنری به منظور درک و شناخت عمیق آنها، همچنین استنباط و استخراج معانی و مضامین اصلی آن تأکید دارد. برودی نماینده این رویکرد در تربیت هنری، تأکید می‌کند اساساً جایگاه تربیت هنری نه بر مبنای تولید محصولات زیبایی‌شناسانه، بلکه بر اساس تأثیر و کمکی که به رشد ارزشهای زیبایی‌شناختی دارد، است (امینی، ۱۳۸۴: ۴۶). بدین سان عرصه‌ای فراهم می‌شود که فراتر از آگاهی و شناخت جنبه‌های حسی و رسمی آثار هنری، ابعاد معنایی و تجلی یافته و ابراز شده آنها عمیقاً درک و شناسایی شود.

سه) رویکرد مبتنی بر تیزبینی و مشاهده آثار هنری

در این رویکرد، توجه اصلی بر مشاهده دقیق و موشکافانه آثار هنری با هدف دریافت دلالتها و پیامهایی است که در نگاه اجمالی آشکار نمی‌شود. پرکینز بر لزوم نگاه متفکرانه به آثار هنری اهتمام داشته است. وی آثار هنری را محل مناسبی برای تمرین و تقویت عادات و روشهای ممتاز اندیشیدن می‌داند و معتقد است این ویژگی به جاذبه‌های احساسی و عاطفی هنر بازمی‌گردد.

در مقابل جریان‌های سکولار هنری ترویج یافته در غرب که به جای الزام هنرمند در صدور پیام اجتماعی، صرفاً بر خلق آثاری لذت‌آور و برانگیزاننده از جهت احساسی دنبال می‌شود (دوونینو، ۱۳۷۹: ۱۲۱)؛ هنر در اندیشه امام خمینی، از یک سو با هدف ارتقای معنوی و تربیت مخاطب و از سوی دیگر، متعهد به دین و در خدمت مصالح کشور است. امام (ره) بر لزوم استفاده ابزاری از محصولات هنری در جهت آموزش و پرورش جوانان تأکید دارند و می‌فرمایند: «سینما یک جایی است که برای آموزش است، برای پرورش است. اسلام با خود اینها مخالف نیست؛ اسلام می‌خواهد اینها را مهذب کند؛ یعنی در خدمت اسلام، در خدمت تربیت جوانها قرار بدهد و ما هم مأموریم این جوانهایی را که دست ما هستند و با آنها رابطه داریم، اینها را باید تربیت اسلامی، تربیت دینی و متوجه به مسائل روز کنیم» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۶: ۴۷۶). ایشان در کلامی تصریح می‌کنند که رسالت اصلی مطبوعات به عنوان یکی از بسترهای عرصه هنر، تربیت است (همان، ج ۹: ۱۷۶). امام (ره) جهت‌دهی فیلمها، عکسها و مجلات در مسیر تربیت صحیح کودکان را مسئولیتی خدایی، اخلاقی و ملی قلمداد می‌کنند. (همان، ج ۱۰: ۲۱۵؛ ج ۱۴: ۵۰۰)

د) اهداف تربیت هنری

اساساً هیچ فعالیت آگاهانه‌ای بدون هدف نیست. پیش‌بینی اهداف در تربیت هنری موجب شناخت روشها و تهیه ابزار مناسب جهت رفع موانع، هماهنگی میان فعالیت‌های متولیان این امر، ایجاد انگیزه و تحرک بیشتر برای رسیدن به مقصود و دستیابی به شاخصی برای سنجش میزان موفقیت در این امر می‌شود. هدف تربیت

❖ ۹۷ خوانش امام خمینی(ره) از تربیت هنری

هنری، پرورش درک‌کنندگان هنر مطلوب و شکل‌دهی به سلاطین مخاطبان آثار هنری و حساسیت‌بخشی در سنجش آثار هنری و برخورد آگاهانه با محصولات متنوع هنری است. هر گونه کاستی در حوزه تربیت هنری، موجب رسوخ بسته‌های هنری مدون توسط بیگانه خواهد شد.

اهداف تربیتی با توجه به سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری طبقه‌بندی می‌شود و از منظری دیگر به اهداف غایی، متوسط و جزئی تقسیم می‌شود. کمک به فراگیران در خلق آثار هنری یا هنرمندانه عمل کردن (تربیت هنرمند)، تولید انتخابگران هنر خوب و شایسته (سوادآموزی زیبایی شناختی)، توانایی فرد در درک آثار هنری، حساس‌تر کردن افراد نسبت به زیبایی طبیعت به طور کلی، خلاق‌تر کردن افراد (خلاقیت‌افزایی) و حداقل حفظ خلاقیت موجود، انتقال مهارت‌ها و پیشرفت تحصیلی، پرورش تحیل، پرورش تفکر و رشد شناختی و ذهنی، رشد اخلاقی، شکل‌گیری هویت فرهنگی، رفتارسازی در جامعه و هدایت افراد به سوی هنجارها و بارورسازی تفکر انتقادی و حل مسئله (آقایی، ۱۳۸۶: ۶۹-۶۴)، از جمله مهم‌ترین اهداف تربیت هنری محسوب می‌شود.

به عقیده یکی از محققان، تربیت هنری، یکی از بهترین و موثرترین ابزارها در پیشگیری از خودباختگی‌های فرهنگی است (نجفی، ۱۳۷۳: ۱۹)؛ زیرا در قالب بازنمایی هنری موضوعات و ارزشهای فرهنگی به جوانان انتقال می‌یابد. از سوی دیگر، چنانچه نظامهای آموزشی بخواهند در جهت تربیت کنشگران اخلاقی که کنش آنان همزمان از صبغه شناختی، عقلانی، عاطفی و احساسی برخوردار است، توفیق یابند، باید آن را در درجه نخست در بستر تربیت هنری جستجو کنند و از امتیازات تجربه زیبایی شناختی بهره ببرند. (تمنایی‌فر و دیگران، ۱۳۸۸: ۹)

امروزه اهمیت ابزاری تربیت هنری در راستای تربیت دینی جامعه امری ثابت شده است و «اثر بخشی ناکافی آموزشهای مستقیم در تربیت دینی باعث شده است تا متخصصان تعلیم و تربیت در پی روشهای غیر مستقیم و بهره‌گیری از سایر رشته‌ها و به ویژه حوزه‌های هنری به منظور گسترش تعالیم اسلامی باشند» (صابری، ۱۳۹۱: ۱۱۴). به عقیده برخی، جامعیت آموزش ارزشها با استفاده از ابزار هنر، تضمین‌شدنی است؛ زیرا تحقق طیف وسیعی از ارزشهای ترکیبی و پیچیده بدون استفاده از رسانه هنر دست‌نیافتنی است (مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۶۷). هنر و نمادهای مرتبط با آن به عنوان ابزاری مفید می‌توانند در خدمت اندیشه‌های دینی و رشد و تعالی انسانها باشند و نمی‌توان هنر را بدون قید و شرط و با هر شکلی ذاتاً ارزشمند دانست (جعفری، بی‌تا: ۱۳۷). پرورش انسانهایی با قدرت آفرینش زیبایی‌های هنری، منوط به اتخاذ سازوکار مناسب برای تربیت انسانهایی با سواد هنری است تا هم از هنر لذت ببرند و هم در تربیت دینی دیگران مؤثر واقع شوند.

اهداف در اندیشه امام(ره) بر پایه عرفان اسلامی بنا می‌شود و جملگی زمینه‌ساز تحقق و حصول به غایت تربیت؛ یعنی حرکت در صراط مستقیم است. همچنین از آنجا که اساسی‌ترین مفهوم در جهان‌بینی

اسلامی، خدامحوری و توحید است و تمامی هستی منشعب از وجود هستی محض و یکتای الهی می‌باشد، حضرت امام(ره) غایت تمامی دانشها و رویشها را کسب معرفت الهی می‌دانند. (امام خمینی، بی‌تا، ج ۸: ۴۳۵)

هـ) مبانی تربیت هنری از منظر امام خمینی(ره)

واژه «مبانی» جمع «مبنا» و در لغت به معنای بنیان، اساس و بنیاد است (دمخدا، ۱۳۷۲، ج ۱۲). مبانی تربیت هنری به آن دسته از اندیشه‌های اساسی و بنیادین و گزاره‌های هست‌نما اطلاق می‌شود که زیربنای فرایند تربیت هنری در منظومه فکری امام خمینی(ره) را تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین مبانی تربیت هنری از منظر امام(ره) عبارتند از:

۱. اخلاق محوری

اخلاق در اندیشه اسلامی به مجموعه ارزشهای آیینی و عرفی، همچنین فضایل معنوی رسوخ یافته در باطن انسان اطلاق می‌شود که در صدد رساندن جامعه انسانی به اعتدال و فضیلت می‌باشند (کیخا، ۱۳۸۶: ۲۴-۲۱). امام(ره) همواره تأکید فراوانی بر اخلاق عملی و تأثیر اخلاق بر زندگی افراد داشته و به سطوح مختلف فعل اخلاقی توجه کرده‌اند (رفع و حلال‌خور، ۱۳۹۱: ۱۰۷-۱۰۶). امام(ره) تحقق آموزش صحیح در نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی را منوط به تربیت اخلاقی دانش‌آموزان می‌دانند (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱۲: ۴۹۶ و ۵۰۰). ایشان ضمن تأکید بر لزوم تقدّم تربیت اخلاقی بر تربیت هنری، فقدان اخلاق انسانی و اسلامی در جامعه هنری آن ایام را گوشزد کرده، می‌فرمایند: «مدتها باید زحمت بکشیم و باور کنیم که خودمان دارای یک فرهنگ بزرگ انسانی با ارزشهای اسلامی هستیم و اگر امروز کمبود نیروی انسانی هست به خاطر همین است که افکار به آن طرز تفکر عادت کرده بود. لذا ساختن ثناتری که مطابق با اخلاق انسانی اسلامی باشد زحمت دارد و سینما هم اگر بخواهد چنین باشد، نیازمند به صرف مدتها وقت است و هرگز در متن سینما و تئاتر نوشته نشده است که باید مرکز فساد باشند» (همان، ج ۱۸: ۲۱۶)

۲. دین‌مداری

دین به موجب ایجاد پیوند میان سرشت انسانی و حیات اجتماعی وی، در تمامی اعمال، طیفی از مسئولیتها را برای انسان ایجاد کرده است. علاوه بر این، هر فرد دیندار به راهنمایی دین، به این حقیقت باورمند است که زندگی وی محدود به این جهان زودگذر نیست، بلکه راه سعادت ابدی وی از رهگذر پیروی مقررات دینی حاصل خواهد شد (طباطبایی، بی‌تا: ۱۸-۱۶). از نظر علامه جعفری، حیات معقول که عبارت است از تکاپویی آگاهانه در مراحل زندگی به سوی کمال، بدون تبعیت از دین تحقق پذیر نیست. (جعفری، ۱۳۷۵: ۹۳)

❖ ۹۹ خوانش امام خمینی(ره) از تربیت هنری

محوریت دین در اندیشه‌های تربیتی امام(ره) به صراحت هویداست. ایشان عدم اهتمام به تلقین «عبودیت الهی» در قلب و فکر کودکان را نوعی خیانت در امانت دانسته‌اند(امام خمینی، بی‌تا، ج ۱۴: ۴۰) و اذعان دارند که تربیت سازنده، تربیتی است که انسانی، اسلامی و مفید برای جامعه اسلامی باشد(همان، ج ۱۵: ۱۰۷؛ ج ۱۰: ۶). از نظر ایشان، دین اسلام «مکتبی است که بر خلاف مکتبهای غیر توحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار نکرده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد کرده و به رفع آنها کوشیده است»(همان، ج ۲۱: ۴۰۳).

امام(ره) توجه ویژه به مسائل فرهنگی و برخورد با هنر به معنای اعم؛ چون: عکاسی، نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، تئاتر، سینما، خوشنویسی و ... را یکی از الزامات فقیهان معاصر برشمرده‌اند(همان: ۱۷۷). ایشان ضمن نکوهش هنر «سوغات غرب» که موجب تباهی انسان می‌شود(همان، ج ۹: ۵۰۲)، به فعالان عرصه هنر سفارش می‌کنند در جهت ایجاد عرصه‌ای برای ترویج معارف دینی در سرتاسر جهان کوشش کنند(همان، ج ۱۹: ۲۱؛ ج ۲۰: ۴۴۱). به موجب اهمیت این موضوع بنیادین، در مقدمه کتاب اولویتها و سیاستگذاری‌های برنامه‌سازی سازمان صدا و سیما چنین اشاره شده است: «رسانه، ساختاری است که باید روح تعالیم دینی، آرمانها و شعارهای انقلاب اسلامی را به صورت پیام، طراحی و سپس با استفاده از همه امکانات موجود و با هنرمندی تمام، آن را به طیف گسترده مخاطبان داخل و خارج کشور عرضه کند»(اهداف، محورها، اولویتها و سیاستهای تولید، تأمین و پخش، ۱۳۸۴).

۳. استقلال فکری

امروزه پذیرش بدون مرز محصولات هنری بیگانه، به یکی از محملهای مساعد برای انتقال فرهنگ سکولار غرب به جوامع اسلامی مبدل شده است. یکی از مبانی تربیت هنری از دیدگاه حضرت امام(ره)، استقلال فکری است. این مهم به موجب تعمیق روحیه خودباوری محقق خواهد شد و ظرفیت ظهور خلاقیتهای فکری و تولیدات بومی را ایجاد می‌کند. ایشان ضمن طرد انواع دگراندیشی و از خودباختگی می‌فرمایند: «من به همه مسئولین و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوری‌ها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید»(امام خمینی، بی‌تا، ج ۲۱: ۹۶).

در نگرش حضرت امام(ره)، «هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه‌داری مدرن و کمونیسم خون‌آشام و نابودکننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی‌درد و در یک کلمه، اسلام آمریکایی باشد»(همان، ج ۲۱: ۱۴۵). ایشان می‌افزایند: «هنر در جایگاه واقعی خود تصویر زالوصفتانی است که از مکیدن خون فرهنگ اصیل اسلامی، فرهنگ عدالت و صفا لذت می‌برند. تنها به

هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهانخواران شرق و غرب و در رأس آنان آمریکا و شوروی را بیاموزد» (همان).

امام (ره) بر لزوم تربیت جوانانی با استقلال فکری تأکید می‌کنند (همان، ج ۱۲: ۲۵؛ ج ۱۱: ۲۲۲) و معتقدند به سبب آنکه «کارشناسان استعمار با کمال تزویر و حيله، با اسم اسلام‌دوستی و شرق‌شناسی، پرده‌های ضخیمی بر چهره نورانی اسلام کشیده و اسلام را با معماری‌ها و نقاشی‌ها و ابنیه‌عالیه و هنرهای زیبا معرفی کرده و حکومت‌های جائزانه ضد اسلامی اموی و عباسی و عثمانی را به اسم خلافت اسلامی به جامعه‌ها تحویل داده‌اند و چهره واقعی اسلام را در پشت این پرده‌ها پنهان نگاه داشته؛ به طوری که امروز مشکل است ما بتوانیم حکومت اسلام و تشکیلات اساسی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آن را بر جوامع بشری - حتی مسلمین - بفهمانیم» (همان، ج ۲: ۲۸۲).

امام (ره) در تجلیل از هنر و هنرمندان متعهد می‌فرمایند: «هنرمندان ما تنها زمانی می‌توانند بی‌دغدغه کوله بار مسئولیت و امانتشان را زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکا به غیر، تنها و تنها در چارچوب مکتبشان، به حیات جاویدان رسیده‌اند» (همان، ج ۲۱: ۱۴۵). بر این مبنا، توجه به عدم اتکا به غیر خودی و عمل مبتنی بر آموزه‌های مکتبی و ارزشی در تربیت هنری، زمینه‌ساز تکوین هنر جاودانی محسوب می‌شود.

۴. توجه به مصالح ملی

آفرینشهای هنری در عصر حاضر، نه تنها می‌تواند به نحو مطلوبی در رویارویی با تهدیدهای جنگ نرم اثرگذار باشد، بلکه می‌تواند به تولید قدرت نرم و رشد پایگاههای اجتماعی پرداخته، به ثبات و ارتقای وحدت ملی بینجامد. بدون تردید، تحقق این مهم مرهون اولویت‌بخشی به مصالح ملت در تولیدات هنری است.

امام (ره) مطبوعات را به عنوان یکی از عرصه‌های تجلی آفرینشهای هنری، به آموزگاران تشبیه کرده‌اند که رسالت تربیت جوانان و انعکاس آرمانهای ملی را بر عهده دارند (همان، ج ۷: ۳۳۳؛ ج ۶: ۱۹۱؛ ج ۸: ۴۹۶). ایشان نقادانه، تولیدات هنری ارزشی را از مظاهر هنری غیر ارزشی مجزا می‌دانند و می‌فرمایند: «در اسلام، تمام آثار تجدد و تمدن در اسلام مجاز است، مگر آنهایی که فساد اخلاق بیاورند، فساد عفت بیاورند. اسلام آن چیزهایی را که مخالف با مصالح ملت بوده است، آنها را نفی کرده. آنهایی که موافق با مصالح ملت است، آنها را اثبات کرده است» (همان، ج ۵: ۲۶۲). توصیه مؤکد حضرت امام (ره) به اقشار مختلف چنین است: «اکنون وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده و رئیس جمهور و رؤسای جمهور مابعد و به شورای نگهبان و شورای قضایی و دولت در هر زمان، آن است که نگذارند این دستگاههای خبری و مطبوعات و مجله‌ها، از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن، که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است. و تبلیغات و مقالات

۱۰۱ **◆** خوانش امام خمینی(ره) از تربیت هنری

و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است و از آزادی‌های مخرب باید جلوگیری شود». (همان، ج ۲۱: ۴۳۶)

(و) اصول تربیت هنری در نگرش امام خمینی(ره)

اصول، از ماهیتی هنجاری برخوردارند، ناظر به باید‌ها می‌باشند و به مثابه ابزاری برای نیل به اهداف قلمداد می‌شوند. البته ذکر این نکته ضروری است که اصول، یک ابزار و معیار کلی برای گزینش روشهای گوناگون است. از این رو، اصول، راهنمایی برای انتخاب روشهای تربیتی به شمار می‌آیند (هوشیار، ۱۳۸۴: ۱۰-۶). به تعبیر دیگر؛ اصول، مجموعه قواعدی است که به عنوان راهنمای عمل، تدابیر تربیتی را هدایت می‌کنند (باقری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۶۵). یکی از محققان در تعریفی جامع، اصل را این‌گونه تعریف می‌کند: «مفاهیم یا گزاره‌های کلی انشایی یا باید‌محور هستند که معیار و راهنما و حاوی روشهای تربیتی‌اند». (بهشتی، ۱۳۸۶: ۳۵)

به عقیده اندیشمندان، مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین امر پس از رحلت امام راحل(ره) تا به امروز و آینده، تبیین وظیفه امت اسلامی و ترسیم اصول راه امام(ره) است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳۶۱). در این راستا، اصول تربیت هنری عبارت است از قواعد کلی تربیت هنری که از مقایسه و ملاحظه مبانی و اهداف به دست می‌آید و در بر دارنده باید‌هاست.

از آنجا که «فرم» و «محتوا» و «هنرمند»، از جمله مقولات کلیدی در هر اثر هنری به شمار می‌آیند، در این بخش مصادیق توجه ویژه حضرت امام(ره) به این سه مقوله، بررسی و از این رهگذر، اصول تربیت هنری استخراج می‌شود.

۱. توجه به فرمهای هنری

فرم به معنای کلیت فیزیکی و عناصر درونی هر اثر هنری (اوریک، ۲۰۰۸: ج ۴: ۶۶) یا همان حالت ظاهری یک اثر است که در نگاه اول آشکار می‌شود. به عبارت دیگر؛ فرم یا شکل هنری، به مجموعه خصیصه‌ها و پیکره بیرونی یک پدیده اطلاق می‌شود و کالبدینه‌ترین، دیداری‌ترین و برونی‌ترین نمود اثر هنری است. به عقیده یکی از معاصران، هنر به مثابه جانی است که در کالبد‌های گوناگون می‌تواند دمیده شود و شکلهای متنوعی پیدا کند. لذا تا آن زمان که با جان هنر رویارو هستیم، هنر یگانه است؛ اما آن زمانی که شکلهای کالبدی را در نظر می‌گیریم، هنر چندگانگی و گونه‌گونی می‌یابد. (کرازی، ۱۳۸۱: ۲۳۱)

۱۰۲ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۶

امام(ره) دستیابی به فرم اسلامی را منوط به عدم تقید به فرمهای ارائه شده توسط بیگانگان شرق و غرب می‌داند(امام خمینی، بی تا، ج ۹: ۵۰۱). ایشان پیرامون لزوم توجه به فرم اتخاذ شده در مجلات می‌فرمایند: «خیلی لازم است که کوشش شود و در این مورد آنچه که بیش از همه در فرهنگ مردم تأثیر می‌گذارد، مجله و فرهنگ مجله است؛ برای اینکه مجله و نحوه ارائه آن خیلی تأثیر دارد. این حتی خودش اگر مجله را هم نخواند، ورق زدن مجله، این خودش در روحیه‌اش تأثیر می‌کند»(همان، ج ۱۴: ۴۹۷). ایشان بخشی از رسالت تربیت نسل آینده را مرتبط با فرمهای هنری مورد استفاده در مجلات و رسانه‌ها می‌داند و می‌فرمایند: «باید جوانهای ما نسل فعلی، نسل آینده را تربیت کنند ... باید مجله راه بیندازید که وقتی جوانها باز می‌کنند شکل و صورت و عکس‌های مجله و تیرهای مجله طوری باشد مقابل آنکه پنجاه سال ما را به نابودی کشید. شما باید جبران آن خرابی پنجاه سال را بکنید... هر کس مجله می‌خواهد بنویسد باید مجهز باشد که این نسل آینده را تربیت کند. برای نسل آینده فکری بکنید. اسلام همه نسلها را مکلف می‌داند. پیغمبر اسلام مکلف بودند برای همه نسلها. همچنین مکلفیم که برای نسلهای آینده کار کنیم. باید تربیت ما از اولاد در خانه و دبستان و دبیرستانها باشد»(همان، ج ۱۴: ۵۰۰؛ ج ۶: ۳۹۹).

از مطالب پیشگفته می‌توان چنین برداشت کرد که از نگاه امام(ره)، بیان مضامین در قالب هنر، فرم و صورت خاصی را می‌طلبد و هرچند فرم خاص و مشخصی تعیین نشده و انتخاب نوع فرم هنری به خلاقیت هنرمندان واگذار شده، اما نکته قابل تأمل در نگرش ایشان، اینکه فرمهای هنری منتخب توسط هنرمندان لزوماً نباید در تضاد با ارزشهای اخلاقی و تداعی‌گر مفهومی ضد اسلامی باشند. به عبارت دیگر؛ تنها محدوده‌ی بیانی فرمها تعیین می‌شود، به نحوی که در بر دارنده‌ی عنصری اثربخش از اندیشه‌ی اسلامی باشد.

۲. توجه به محتوای هنری

محتوا، مضمون یا درونمایه ناظر بر جنبه معنوی و غیر مادی یک اثر هنری است. به تعبیر یکی از نویسندگان، محتوای اثر هنری همان چیزی است که باعث اهمیت یافتن هر اثر هنری می‌شود(جنسن، ۱۳۸۸: ۲۹). به عبارت دیگر؛ محتوا عنصری ثابت است که پویایی ایجاد می‌کند و جهان هنری را به حرکت و جنبش وامی‌دارد، صورتی خاص ندارد اما صورت می‌آفریند.(معین، ۱۳۸۷: ۴۳)

حضرت امام(ره) توجه به محتوای هنری را زمینه‌ساز تربیت جوانان می‌شمرند و می‌فرمایند: «مجله باید در خدمت کشور باشد. خدمت به کشور این است که تربیت کند؛ جوان تربیت کند، انسان درست کند؛ انسان برومند درست کند؛ انسان متفکر درست کند؛ تا برای مملکت مفید باشد ... آنکه از همه خدمتها بالاتر است این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد و این به عهده مطبوعات است؛ مجله‌هاست؛ رادیو تلویزیون است؛ سینماهاست؛ تئاترهاست. اینها می‌توانند نیروی انسانی ما را تقویت کنند و تربیت صحیح بکنند و خدمتشان ارزشمند باشد... با اسم نمی‌تواند یک کشوری اداره بشود. با لفظ جمهوری اسلام، با رأی

خوانش امام خمینی (ره) از تربیت هنری ❖ ۱۰۳

به جمهوری اسلام، نمی‌تواند یک مملکتی اسلامی بشود. مملکت اسلامی محتوایش باید اسلامی باشد. شما هم که مجله می‌نویسید می‌توانید خدمت کنید؛ جوانها را برومند کنید با مقالاتتان؛ مقالات صحیح‌تان، دنبال این باشید که از نویسندگان متعهد اسلامی انسانی نیرو بگیرید، مقالات صحیح بنویسید» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۸: ۴۹۷). ایشان مفاهیم قرآنی را شایسته‌ترین و مقبول‌ترین، محتوا برای آثار هنری می‌دانند و می‌فرمایند: «تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل‌دهنده اسلام ناب محمدی - صلی‌الله‌علیه و آله و سلم - اسلام ائمه هدی - علیهم‌السلام - اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیانه خورده‌گان تاریخ تلخ و شرم آور محرومیتها باشد... هنر در مدرسه عشق نشان‌دهنده نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی است» (همان، ج ۲۱: ۱۴۵). در مقابل، محتوای مخالف با فطرت انسانی و تعالیم دینی از نگرش امام (ره) مردود است (همان، ج ۴: ۲۴۷). ایشان استفاده از ابزارهای هنری پیش از انقلاب اسلامی با محتوای منحط را نکوهش کرده (همان، ج ۱۸: ۲۱۵) و پرداختن به موضوعات مرتبط با فداکاری‌ها و دلاوری‌های حماسه‌آفرینان جنگ را وظیفه‌ای اسلامی و ملی قلمداد می‌کنند. (همان: ج ۱۴، ۳۳۳)

رهبر معظم انقلاب نیز در دیدار با اصحاب فرهنگ و هنر به این نکته پرداخته و می‌فرماید: «هنرمند هم در باب فرم و قالب هنر خودش و هم در قبال مضمون تعهد دارد. کسی که قریحه هنری دارد نباید به سطح پایین اکتفا کند، این یک تعهد است... [هنرمند] باید برای اعتلای قالب هنری تلاش کند... علاوه بر این، تعهد در قبال مضمون... این است که ما به بهانه آزادی تخیل یا آزادی هنری، فضیلت‌سوزی و هتک اخلاق نکنیم...». سپس تأکید می‌فرماید هنر نباید در خدمت شهوت و خشونت و ابتدال و استحاله هویت انسان و جامعه قرار گیرد. (سخنرانی در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر، ۱۳۸۰/۵/۱)

۳. توجه به شخصیت و اخلاق هنرمند

«هنرمند مبنای صورت‌بخشی به ماده انگاشته می‌شود و در طول فعالیت هنری، عوالم و روح خود را که به احساسات متفاوت مبتلا شده، به گستره کار خویش منتقل می‌کند» (دریابی، ۱۳۹۱: ۸۵). لزوم توجه به شخصیت هنرمند در تربیت هنری از پیشینه‌ای طولانی برخوردار است. افلاطون در این باره معتقد است ما باید در جستجوی هنرمندانی باشیم که مستعد درک زیبایی و لطافت باشند؛ زیرا در این صورت آثار هنرها همچون نسیم روح‌بخشی، جوانان ما را از اوان طفولیت به نحوی نامحسوس مستعد درک زیبایی و خردمندی می‌سازد و روح ایشان را با این اصول مأنوس خواهد کرد و الحق که بهتر از این نمی‌توان آنان را پرورش داد. به گمان من پرورش روح به وسیله هنر و زیبایی، رکن عمده تربیت است. (افلاطون، ۱۳۶۸: ۱۷۶)

در نگرش اسلامی نیز برای تهذیب هنر باید هنرمند تربیت شده باشد و این تربیت، افزون بر جهات فنی، متوجه جهات اخلاقی و انسانی است. به عقیده برخی دیگر، «پاکسازی متخیله انسان در این راستا اولین و مهم‌ترین کاری است که باید صورت گیرد. در پاکسازی متخیله، پاکی عمل هنرمند نیز تضمین می‌شود؛ زیرا عمل هر کس انعکاس افکار اوست و افکار او انعکاس خیال اوست» (صادقی، ۱۳۹۱: ۵۴). هنرمند متعهد به

ارزشهای اخلاقی، در برخی آثار، هنرمند دینی نامیده شده است. در این باره می‌نویسند: «از آنجا که هنر یک روش مستقل برای فهم، تفهیم و تفهّم است، لذا هر گونه کنترل بیرونی هنرمند، اگرچه می‌تواند مانع انحراف شود، اما نمی‌تواند موجب خلاقیت شود... ما به جای اینکه هنرمند را وادار کنیم که هنر دینی بیافریند، باید بکوشیم هنرمند دینی تربیت کنیم. در این صورت، مضامین هنری به گونه‌ای آفریده خواهند شد که نه تنها هیچ گونه تضادی با دین نخواهند داشت، بلکه پیام دین را در یک درک مستقیم و شهودی، به کانون احساس مخاطب منتقل خواهند کرد» (نبوی، ۱۳۷۸: ۲۱۶)

حضرت امام (ره) موفقیت هر اقدام تربیتی را منوط به اصلاح درونی مربی می‌دانند (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱۰: ۷۷). در این میان، هنرمندان متعهد، فهیم و مطلع (همان، ج ۶: ۴۰۰) یکی از متولیان اصلی تربیت جوانان مورد توجه ایشان قرار گرفته‌اند. ایشان می‌فرمایند: «رسانه‌های گروهی، به ویژه صدا و سیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی می‌توانند خدماتی گرانمایه‌ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند. بنگاههایی که شب و روز، ملت در سراسر کشور با آنها تماس سمعی و بصری دارند، چه مطبوعات در مقالات و نوشتارهای خود و چه صدا و سیما در برنامه‌ها و نمایشنامه‌ها و انعکاس هنرها و انتخاب فیلمها و هنرهای آموزنده باید همت گمارند و بیشتر کار کنند؛ و از گردانندگان و هنرمندان متعهد بخواهند تا در راه تربیت صحیح و تهذیب جامعه وضعیت تمام قشرها را در نظر گرفته و راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه را با هنرها و نمایشنامه‌ها به ملت بیاموزند و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کنند» (همان، ج ۱۹: ۱۵۹)

ز) نتایج تحقیق

تربیت هنری به مجموعه اقدامات متناسب با موقعیت افراد در جهت افزایش و رشد تیزبینی نسبت به زیبایی‌شناسی پدیده‌ها و شکوفایی قابلیت‌های هنری گفته می‌شود و در رشد و بروز استعدادها، شناختی و عاطفی و مهارتی نقشی اساسی دارد. همچنین در کاهش اضطراب و تنشهای روانی، تعدیل عواطف و کنترل احساسات، ایجاد حس خودارزشی، رشد خودراهبری، تسهیل یادگیری اجتماعی و کسب بینش بسیار مؤثر است.

حضرت امام (ره) بر لزوم استفاده ابزاری از محصولات هنری در جهت آموزش و پرورش جوانان تأکید داشته‌اند. در خوانش امام خمینی (ره) از تربیت هنری، اخلاق‌محوری، دین‌مداری، استقلال فکری و توجه به مصالح ملی، از جایگاهی بنیادین برخوردارند. از پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که در منظومه فکری امام خمینی (ره)، تربیت هنری دارای چارچوبی ارزشی و فراگیر برای فرد و جامعه و ابزاری اساسی برای کامیابی طرح تربیت اسلامی است. در این ساختار، فرم و محتوا و شخصیت هنرمند از ارزشهای وحیانی و جهان‌بینی اسلامی تأثیر پذیرفته است؛ لذا تربیت هنری ابزاری برای تطهیر هنر از انحرافات، فساد، انزوا، جمود و همچنین تکوین معرفتی منتقد و بیناست.



منابع

- آقایی، حمید میرزا(۱۳۸۶). «تأثیر آموزش هنر بر خلاقیت کودکان در آینده». آینه خیال، ش ۵.
- آیزنر، الیوت(۱۳۸۵). آموزش هنر برای تغییر دنیا. ترجمه فاطمه سادات میر عارفین. تهران: رشد آموزش هنر.
- اسفندیاری، امید(۱۳۷۸). «معرفت‌شناسی هنر». مجموعه مقالات چستی هنر. تدوین سید عباس نبوی. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.
- اعرافی، علیرضا(۱۳۹۱). فقه تربیتی، مبانی و پیش‌فرضها. تحقیق سید نقی موسوی. قم: مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان.
- افلاطون(۱۳۶۸). جمهوری. ترجمه فؤاد روحانی. تهران: علمی فرهنگی.
- الیاس، جان(۱۳۸۵). فلسفه تعلیم و تربیت(قدیم و معاصر). ترجمه عبدالرضا ضرابی، زیر نظر سعید بهشتی. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، چ ۲.
- امام خمینی، سید روح‌الله(بی‌تا). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امینی، محمد(۱۳۸۳). تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش. تهران: آبیژ.
- ایزدپناه، عباس(۱۳۷۸). «هنر و عرفان». مجموعه مقالات چستی هنر. تدوین سید عباس نبوی. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.
- باقری، خسرو(۱۳۸۴). تگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه، چ ۱۰.
- بهشتی، سعید(۱۳۸۶). آیین خردپرووری. تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- تقی‌زاده، محمد(۱۳۸۴). نقش معنویت در ارتقای کیفیت آموزش هنر. مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر. تهران: فرهنگستان هنر.
- تمنایی‌فر، محمدرضا؛ محمد امینی و زینب یزدانی کاشانی(۱۳۸۸). «تأملی بر کارکردهای تربیت هنری در نظام آموزشی». فصلنامه جلوه هنر، دوره جدید، ش ۲.
- تولستوی، لئون(۱۳۶۴). هنر چیست؟. ترجمه کاوه دهقان. تهران: امیرکبیر.
- جعفری، محمد تقی(بی‌تا). زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جعفری، محمد تقی(۱۳۷۵). فلسفه دین. دفتر نخست، تهران: مؤسسه فرهنگی اندیشه.
- جنسن، چارلز(۱۳۸۸). تجزیه و تحلیل آثار هنرهای تجسمی. ترجمه بتی آواکیان. تهران: سمت، چ سوم.
- جوادی آملی، عبدالله(۱۳۸۱). بنیان مرصوص امام خمینی در بیان و بنان. تنظیم محمد امین شاهجویی. قم: اسراء، چ ۲.
- دانشور، سیمین(۱۳۷۵). شناخت و تحسین هنر. تهران: سمبلیک.
- دبونو، ادوارد(۱۳۶۴). تفکر جانیی. ترجمه عباس بشارتیان. تهران: فرهنگ.

۱۰۶ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۶

- دریایی، نازیلا (۱۳۹۱). «اخلاق گوهر هنرهای ایرانی». اخلاق در علوم و فناوری، سال هفتم، ش ۳.
- دووینیو، ژان (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی هنر. ترجمه مهدی سبحانی. تهران: مرکز.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). لغتنامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- رفیع، حسین و مهرداد حلال‌خور (۱۳۹۱). «تعامل اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی (س)». پژوهشنامه متین، ش ۵۲.
- شپرد، آن (۱۳۷۷). مبانی فلسفه هنر. ترجمه علی رامین، تهران: علمی و فرهنگی.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۸). «هنر، اخلاق و تربیت». مجموعه مقالات چستی هنر. تدوین سید عباس نبوی. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.
- شریعتی، علی (۱۳۶۶). هنر (مجموعه آثار). تهران: پژمان، چ دوم.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۴). «معنی و مفهوم تربیت». فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۳-۲.
- صابری، رضا (۱۳۹۱). «کاربرد زیباگرایی و هنر در تربیت دینی». دوفصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، سال هفتم، ش ۱۵.
- صادقی، هادی (۱۳۹۱). «ویژگی‌های هنر زمینه‌ساز». مشرق موعود، سال ششم، ش ۲۴.
- طباطبایی، سید محمدحسین (بی‌تا). خلاصه تعالیم اسلام. قم: دار التبلیغ اسلامی.
- فرمehنی فراهانی، محسن (۱۳۹۰). تربیت در نهج‌البلاغه. تهران: آبیژ.
- فیشر، ارنست (۱۳۵۴). ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی. ترجمه فیروز شیروانلو. تهران: پاسارگاد.
- فیشر، رابرت (۲۰۰۱). آموزش تفکر به کودکان. ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان. اهواز: رسش.
- قره‌باغی، علی‌اصغر (۱۳۸۸). هنر نقد هنری. تهران: سوره مهر، چ دوم.
- قطبی، محمدیوسف (۱۳۵۲). تحقیق در تعریف هنر. تهران: زوار.
- کاردان، علی‌محمد (۱۳۷۹). درباره آثار هنری دانش‌آموزان. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- کزازی، میر جلال‌الدین (۱۳۸۱). پیوند تناسب و زیبایی با هنر، هنر و ماوراءالطبیعه. تدوین سید عباس نبوی. تهران: دفتر نشر معارف.
- کیخا، نجمه (۱۳۸۶). مناسبات اخلاق و سیاست در اندیشه اسلامی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۱). منتخب میزان‌الحکمه. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). مجموعه آثار، ج ۲. قم: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- معین، مرتضی بابک (۱۳۸۷). «نقد مضمونی هنر». پژوهشنامه فرهنگستان هنر، ش ۸.
- ملکی، حسن (۱۳۸۹). تعلیم و تربیت اسلامی رویکرد کلان‌نگر. تهران: عابد.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۳). چستی، چرایی و چگونگی آموزش عمومی هنر. تهران: مدرسه.

خوانش امام خمینی(ره) از تربیت هنری ❖ ۱۰۷

- میرزا محمدی، محمدحسین(۱۳۸۱). «بررسی مقایسه‌ای اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه افلاطون و فارابی». مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال سی و سوم، ش ۲.
- میکون، ژان لوئیس(۱۳۸۳). از وحی قرآنی تا هنر اسلامی، هنر و معنویت. ترجمه انشاءالله رحمتی. تهران: فرهنگستان هنر.
- نبوی، سید عباس(۱۳۷۸). «بایستگی‌های هنر دینی». مجموعه مقالات چیستی هنر. تدوین سید عباس نبوی. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.
- نجفی، محمدعلی(۱۳۷۳). «اهمیت هنر در نظام تعلیم و تربیت». مجموعه مقالات اولین کنگره نقش هنر در تربیت. تهران: تربیت.
- نواب، سید محمدحسین(۱۳۹۳). «نسبت هنر با تعلیم و تربیت اخلاقی از نگاه آریس مرداک». فصلنامه علمی پژوهشی کیمیای هنر، سال سوم، ش ۱۳.
- هاشم‌نژاد، حسین(۱۳۷۹). «درآمدی بر فلسفه هنر از دیدگاه فیلسوفان بزرگ اسلامی». قیاسات، سال یازدهم، ش ۳۹ - ۴۰، ص ۳۱۳-۳۳۲.
- هزاوه‌ای، هادی(۱۳۶۲). برنامه آموزش هنر برای معلمان راهنمایی. تهران: چاپ و نشر ایران.
- هوشیار، محمدباقر(۱۳۸۴) اهداف، محورها، اولویتها و سیاستهای تولید، تأمین و پخش. تهران: معاونت تحقیقات و برنامه‌ریزی، مرکز طرح و برنامه سازمان صدا و سیما.
- Aghaie, Hamid Mirza (2007). "The Impact of Arts Education on Children's Creativity in the Future". *Fancy Mirror Magazine*, No. 5.
- Amini, Mohammad (2004). *Artistic Education in the Field of Education*. Tehran: Aeyzh.
- Araf, A.R. (2012). *Educational Jurisprudence, Principles and Presuppositions*. Research Syed Naqi Mousavi. Qom: Institute and Mystical Illumination.
- Bagheri, Khosro (2005). *To Look into Islamic Education*. Tehran: School, 10 g.
- Beheshti, Saied (2007). *Reasoning Ceremony*. Tehran: Institute for Science and Contemporary Thought.
- Bolin, Paul E. & Kaela Hoskings (2015). "Reflecting on our Beliefs and Actions: Purposeful Practice in Art Education", *The journal of the National Art Education Association*. V 68, No.4.
- Daneshvar, Simin (1996). *Recognition and Admiration of Art*. Tehran: Symbolic.
- Daryaie, Nazila (2012). "Ethics Essence of Iranian Arts". *Journal of Ethics in Science and Technology*, Vol. 7, No. 3.
- Dekhoda, Ali Akbar (1993). *Dekhoda Dictionary*. Tehran: Tehran University.
- Dobvnnv, Edward (1985). *Lateral Thinking*. Translation Abbas Besharatyan. Tehran: Culture.

- Duvynyo, Jean (2000). **Sociology of Art**. Translated by Mehdi Sahabi. Tehran: Publication Center.
- Eisner, Elliot (2006). **Teach the Art to Change the World**. Translating F. Myrarfyn. Tehran: the Development of Art Education.
- Elijah, John (2006). **Philosophy of Education (Ancient and Contemporary)**. Translator Abdul Reza Zarabi, under the Supervision of S. Beheshti. Qom: Center for Publishing Imam Khomeini Education and Research Institute, China 2.
- Esfandiari, Omid (1999). **"Epistemology Art"**. *Proceedings of the Nature of Art*. Developed Seyed Abbas Nabavi. Tehran: Supreme Leader Representative Body for Islamic Research Center.
- Farmihani Farahani, Mohsen (2011). **Trained in Nahj al-Balagha**. Tehran: Publication Aeyzh.
- Fisher, Ernest (1976). **The Necessity of Art in the Process of Social Development**. The Translation of Fayrouz Shirvanlu. Pasargade Publication.
- Fisher, Robert (2001). **On Children's Thinking Training**. Translation Masood Safaie moghadam , afsaneh kajarian , Ahvaz, rasesh.
- Gardner, H.(1990). **Art Education and Human Development**. The Getty Education. Institute for Arts. Occasional Paper.
- Gharabaghi, Ali Asgar (2009). **Art, Art Criticism**. Tehran: Sureh mehrPublications, second edition.
- Gotbi, Mohammad Yousef (1973). **Research on the Definition of Art**. Tehran: Pilgrims.
- Hashemnezhad, Hussein (2000). **"An Introduction to the Philosophy of Art from the Perspective of the Great Islamic Philosophers"**. *Qabasat*, 11 years.
- Hazavehei, Hadi (1983). **Art Education Program for School Teachers**. Tehran: Iran's Publishing Company.
- Hoshyar, Mohammad Bagher (2005). **Objectives, Axes, Priorities and Policies Related to Production, Supply and Distribution**. Tehran: Department of Research and Planning, the Planning IRIB.
- Imam Khomeini, Sayyid Roohollah (?). **Collected Works of Imam Khomeini, the Books of the Imam (21 volumes)**. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Izadpanah, Abbas (1999). **Proceedings of the Nature of art**. Developed Seyed Abbas Nabavi. Tehran: Supreme Leader Representative Body for Islamic Research Center.
- Jafari, Mohammad Taghi (?). **To Beauty and Art of Islam**. Tehran: Ministry of Islamic Guidance Corporation.
- Jafari, Mohammad Taqi (1996). **Philosophy of Religion**. Prime. Tehran: Cultural Institute of Thought.

- Javadi Amoli, Abdullah (2002) **Marsousi Imam Khomeini the Founder of Expression and Banan**. Adjust Mohammad Amin Shahjoe. Qom: Publication of Isra, China 2.
- Jensen, Charles (2009). **Analysis of Visual Art Works**.Translations Betty Avakian. Tehran: Publication Side, China 3.
- Kardan, Ali Mohammad (2000). **About the Students' Artwork**. Tehran: Center for Education.
- Kazazi, Mirjalalodin. (2007). **The Relationship between Ethics and Politics in Islamic Thought**. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy.
- Kazzazi, Mir Jalal al-Din (2002).**Links with the Art Fitness and Beauty, Art, and Paranormal**. Developed Seyed Abbas Nabavi. Tehran: Publication Office of Education.
- Keykha, Najmeh. (1386). **The relationship between ethics and politics in Islamic thought**. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy.
- Maleki, Hassan (2010). **Islamic Education Macro-Oriented Approach**. Tehran: Abed.
- Mehr Mohammadi, Mahmoud (2004). **What, Why and How of Public Education Art**. Tehran: the School.
- Michon, Jean-Louis (1383). **From the Revelation of the Quran to Islamic Art, Art and Spirituality, God Willing Translations Mercy**. Tehran: the Academy of Arts.
- Mirza Mohammadi, Mohammad Mohsen (2002). **“Comparison of the Goals of Education from the Perspective of Plato and Farabi”**.*Journal of Psychology and Educational Sciences*, Vol. 33, No. 2.
- Mohammadi Rey Shahri, Mohammad (2002). **Of the Wisdom**.Translation Hamid Sheikh. Qom: Dar al-Hadith.
- Moien, Mohammad (1996). **Culture Persian**. Tehran: Amir Kabir.
- Moien, Morteza Babak (1387). **“Review Themed Art”**. *Journal of the Academy of Arts Magazine*, No. 8.
- Mostafavi, Hassan. (1981). **Inspection of Words Al-Karim**.Tehran of Translating and Publishing.
- Motahhari, Mortaza (1992). **Collected Works**, C. 2. Qom: Sadra.
- Nabavi, Seyed Abbas (1999). **“Demands of Religious Art”**.*Nature Art*.Developed Seyed Abbas Nabavi. Tehran: Supreme Leader Representative Body for Islamic Research Center.
- Najafi, Mohammad Ali (1994). **“The Importance of Art in Education System”**.*Proceedings of the First Congress of the Role of art in Education*. Tehran: Education.
- Nawab, Sayyed Mohammad Hussein (2014).**“Moral Education from the Perspective of Art by Iris Murdoch”**.*Journal of Alchemy Art*, Q. 3, No. 13.
- Ocvrik, Otto G, Stinson, Robert E, Wigg, Philip R, Bone, Robert, Cayton, David, L, **Art Fundamental: Theory and Practice**, McGraw-Hill Higher Education, 2008

- Plato (1989). **Republic**. Translator Fuad Rouhani. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Rafi, Hussein & Mehrdad Halalkhor (2012). “**Interaction of Ethics and Politics in the Thoughts of Imam Khomeini**”. *Journal Matin*, No. 52.
- Saberi, Reza (2012). “**Application Zybagravy and the Arts in Religious Education**”. *Two Journal of Islamic Education*, R. 7, No. 15.
- Sadeghi, Hadi (2012). “**Underlying Features Art**”. *Journal of the East Promised*, Year 6, No. 24.
- Shariati, Ali (1987). **Art (Collected Works)**. Tehran: Pejman. Second edition.
- Shariatmadari, Ali (1999). *Proceedings of the Nature of Art*. Developed Seyed Abbas Nabavi. Tehran: Supreme Leader Representative Body for Islamic Research Center.
- Sheppard, Anne (1998). **Elements of the Philosophy of Art**. Translated by Ali Ramin. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Shokohi, Gholam Hossein. (1985). “**Meaning Education**”. *Journal of Education*, No. 2-3.
- Tabatabaei, Seyed Mohammad Hossein (?). **To Summarize the Teachings of Islam**. Qom: Press Center of Islamic Al-Tablygh.
- Taghizadeh, Mohammad (2005). “**The Role of Spirituality in Art Education Quality Improvement**”. *The Papers First Conference Spirituality and Art Education*. Tehran: the Academy of Arts.
- Tamannaiefar, Mohammadreza; Mohammad Amini & Zainab Yazdani Kashani (2009). “**Reflections on the Functions of Artistic Education in the Educational System**”. *Journal Effects of Art*, New Era, No. 2.
- Tolstoy, Leon (1985). **What is Art?** Translator K. Farmer. Tehran: Amir Kabir Publications.

